

## رباط شرف

رباط شرف (۱) بین مشهد و سرخس در شش کیلومتری جنوب محلی واقع شده است که آنرا «شورلق» (۲) می خوانند. این ناحیه سیلگاه و در فصول آخرسال بیابانی زرد رنگ و خلوت است و لیکن در فصل بهار و آغاز تابستان گله های متعدد گوسفند از آن عبور می کنند. بنای رباط شرف در نظر کسی که به سراغ آن می رود چنین می نماید که در حفرة ای شبیه به حفرة های سطح ماه قرار گرفته است. با مشاهده این رباط این تردید به آدمی دست می دهد که آیا کسی هم توانسته است در یک چنین مکان خلوتی زندگی بکند؟ (تصویر شماره ۱). بنظر می رسد که محل مزبور بدترین محلی بوده است که در دنیا برای سکونت اختیار شده ولیکن در زمان قدیم جاده «نیشابور- مرو» که جاده معظم خراسان بوده از همین محل می گذشته است و البته

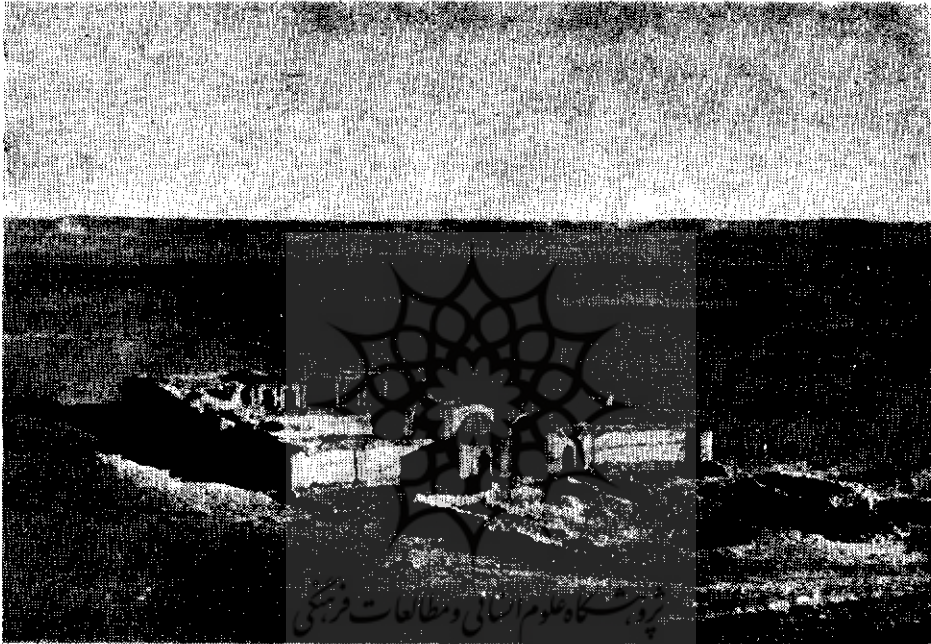
\* André Godard . ATHAR – E -IRAN, t . IV Fasci. I, 1949

۱- آشنایی با این بنای تاریخی را مدیون آقای مولوی رئیس اداره املاک آستان قدس- رضوی و آقای محمود راد رئیس اداره باستان شناسی مشهد هستیم. آقای مولوی ما را متوجه این بنا کرد و آقای راد نیز اولین مطالعه و تحقیق را در باره این بنا نمود و اهمیت آنرا دریافت.

۲- شورلق دهکده ایست واقع در کنار جاده اتومبیل رو مشهد به سرخس، تقریباً در ۱۵۰ کیلومتری مشهد (۱.گ). نام این ده در فرهنگ جغرافیائی ایران جلد نهم «شورلوخ» ضبط شده و شرح آن چنین است:

ده کوچکی است از دهستان مزدوران بخش سرخس شهرستان مشهد، ۱۸ کیلومتری جنوب باختری سرخس، سر راه شوسه مشهد سرخس (م.۲)

لازم بوده است که در کنار این جاده و در این ناحیه غیر مسکون [ آنهم ] در زمانی که در ایالت خراسان همواره جنگ و مقاتله ادامه داشته است دستجات مسلح و مسافران و عمال سلطان و حتی خود سلطان که از آن عبور می کرده اند جا بجا بتوانند هر شب محلی برای استراحت خود بیابند . رباط شرف یکی از همین اماکن

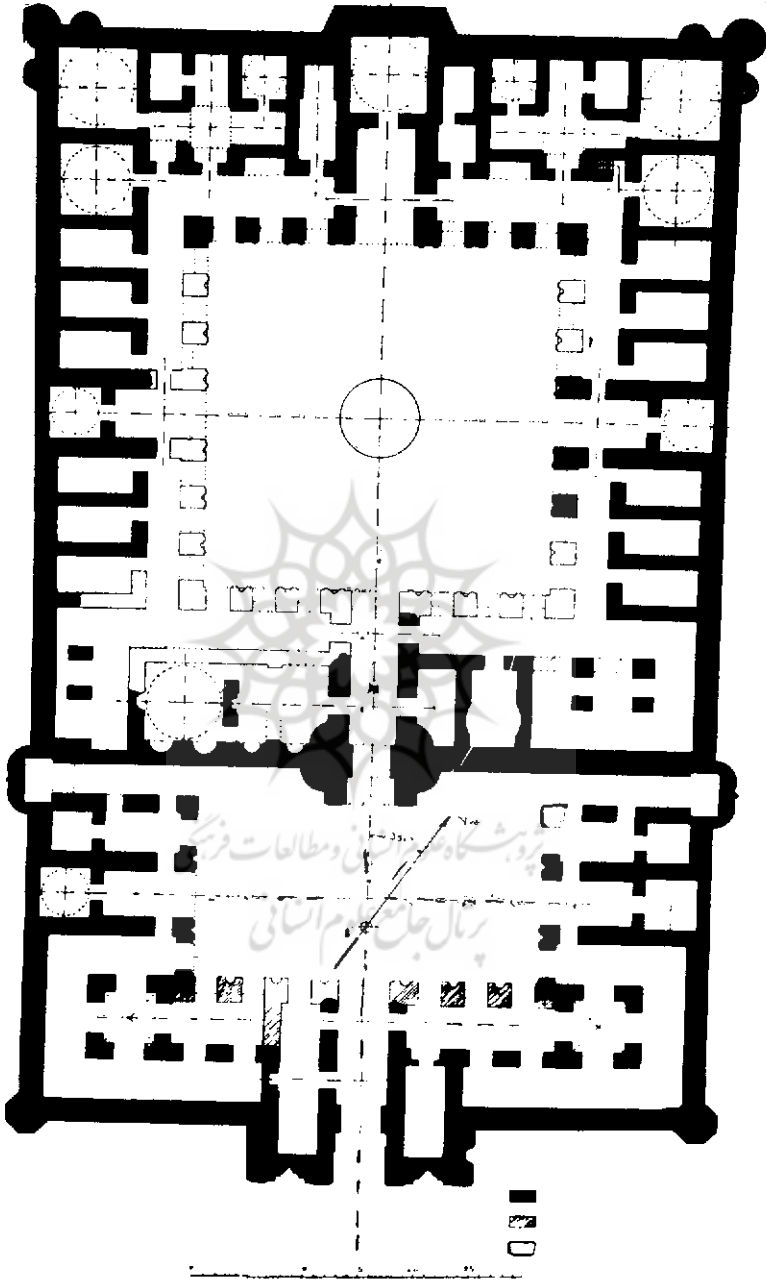


تصویر شماره ۱- منظره عمومی رباط شرف

و محل استراحت تردد کنندگان بوده است ( تصویر شماره ۲ ) . نام این محل همیشه رباط شرف نبوده بلکه به نام دیگری خوانده می شده است .

حمدالله مستوفی قزوینی ضمن توصیف جاده ها و خطوط ارتباطی ایران در عهد خود (۱) از راهی که نیشابور را به سرخس و قسمتی که نیشابور را به مرو و بلخ متصل می سازد سخن می گوید و چنین می نویسد: « از نیشابور تاده باد هفت فرسخ راه

۱ - نزهة القلوب در سال ۷۴۰ هجری (۱۳۴۰ میلادی) نوشته شده است



تصویر شماره ۲- نقشه رباط شرف

است ، از آنجا تا رباط سنگ بست سه فرسخ (۱) و از راه رباط سنگ بست تا رباط ماهی شش فرسخ (۲) و از رباط ماهی تا رباط توران (یا: نوران) هفت فرسخ است تا آنکه به رباط آبگینه می‌رسند و سرخس شش فرسخ بعد از آن واقع شده است (۳).

۱- ویرانه‌های سنگ بست و نیز ویرانه‌های بنائی که به احتمال مقبره اربلان جاذب بانی آنست هنوز وجود دارد. طبق نوشته جغرافیای حافظ ابرو (صفحه ۲۰۸ نسخه خطی متعلق به حاج حسین آقا ملک در تهران) اربلان جاذب در سال ۵۳۹۰ ه. ق (۱۰۰۰ میلادی) به فرمان سلطان محمود غزنه به حکومت طوس منصوب شد و این منصب را در تمام مدت سلطنت پادشاه مزبور حفظ کرد. (..... خان ملک)

۲- رباط ماهی هنوز در ساحل چپ کشف رود وجود دارد. من این رباط را فقط از دور دیده‌ام و تنها می‌توانم بگویم که چه وجوه مشترکی با بنای اصلی دارد ولیکن جغرافی حافظ ابرو در باره این رباط چنین می‌گوید :

« فردوسی پس از آنکه شاهنامه را پایان رسانید امید داشت پاداشی را که سلطان محمود به وی وعده کرده بود دریافت دارد ولیکن بر اثر سعایت احمد بن حسن المیمندی از این پادشاه محروم شد و دربار سلطان محمود را ترک گفت . پس از زمانی سلطان محمود تصمیم گرفت جبران این بی‌عدالتی را بکند ولیکن پول کلانی را که برای شاعر به طوس مسکن فردوسی فرستاد وقتی به طوس رسید که شاعر مرده بود . فردوسی جز يك دختر نداشت و او هم از قبول این صلۀ غیر منتظره خود داری کرد . آن گاه سلطان محمود امر کرد باهمان پول و بیاد بود فردوسی رباطی در کنار راه طوس به سرخس نزدیک « چاهه » بنا کنند و آنرا رباط چاهه خوانند . از سنگ بست تا رباط چاهه پنج فرسخ راه است . این بنا در سال ۴۱۰ ه. ق (مطابق با ۲۰-۱۰۱۹ میلادی) ساخته شده است ( رك : صفحه ۱۷۷ از کتاب خطی حاج حسین آقا ملک )

۳- چنان که آورده گدار در یادداشت شماره ۳ ذیل صفحه ۱۰ از جلد چهارم کتاب «آثار- ایران» می‌نویسد وی مطلب اخیر را از روی کتاب نزهة القلوب چاپ E. J. W. Gibb ترجمه G. Ie Strange صفحه ۱۶۹ نقل کرده است و حال آنکه عبارت حمدالله مستوفی در نزهة القلوب اندکی با این ترجمه فرق دارد و چنین است : « از نیشابور تادیه باد هفت فرسنگ، راه هری از اینجا بدست راست جدا می‌شود و از تادیه خاکستر پنج فرسنگ، ازوتا رباط سنگ بست سه فرسنگ ، ازوتا رباط توران هفت فرسنگ. در این دو عقبه است هر یکی نیم فرسنگ ازوتا شهر سرخس شش فرسنگ جمله باشد از نیشابور تا سرخس چهل و یک فرسنگ ( رك : نزهة القلوب چاپ سنگی بمبئی ، ۱۳۲۱ ق. ص ۱۹۶ ) خوانندگان با مقایسه این عبارت از حمدالله مستوفی و ترجمه ای که آورده گدار از نزهة القلوب چاپ گیب ( ترجمه ج. ل. استرنج ) آورده است اختلافات موجود را در خواهند یافت. م.

رباط آبگینه عصر مغول که بی شک از جهت زیبایی خود به نام آبگینه یا « بلور » و « گوهر » خوانده می شده جز رباط شرف نمی تواند [چیز دیگر] باشد مسافتی که رباط مزبور را از طریق « شورلق » و جاده اتومبیل رو از سرخس جدا می سازد اندکی بیش از چهل کیلومتر است و حال آنکه جاده قدیم که مستقیم تر بوده بالغ بر شش فرسنگ و تقریباً معادل ۳۴ کیلومتر می شده است (۱). احتمال دارد که رباط شرف در زمانی که بنا شده [یعنی بیش از دو قرن قبل از تألیف نزهةالقلوب] نام دیگری داشته است .

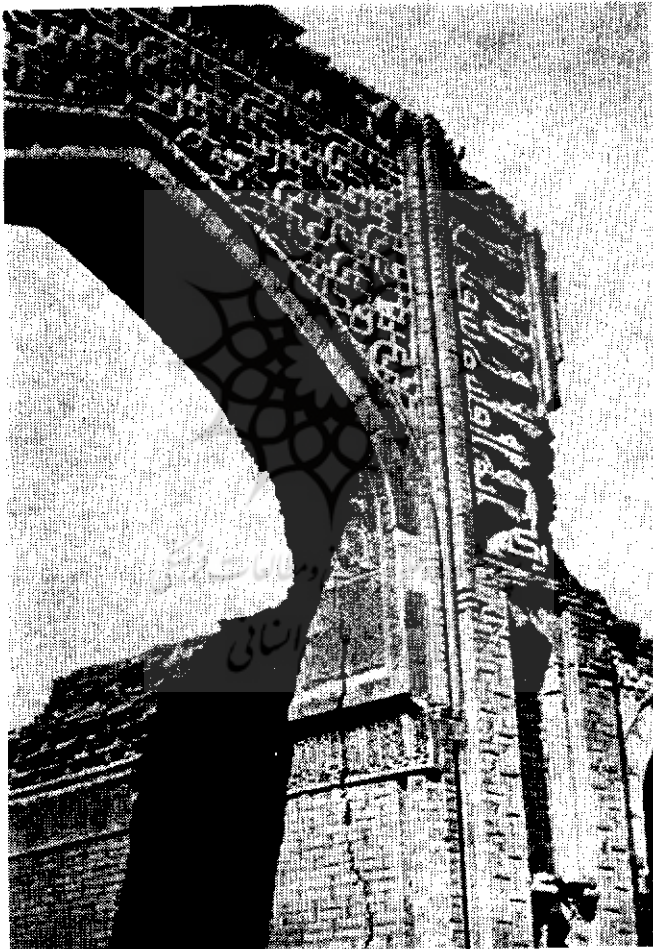
بی شک ما این نام را هرگز نخواهیم شناخت ولیکن من باید فرض جالبی را که آقای محمودراد در این باره دارد ذکر نمایم. آقای رادگمان می کرد که «شرف» ممکن است نام سازنده این بنا باشد . وی از مشهد به من نوشته است: «من فقط يك نفر را می شناسم که در عصر سلجوقی بتواند يك چنین بنای معظمی را بسازد و او شرف الدین ابوطاهر بن سعدالدین علی القمی است. این مرد بزرگ در سال ۴۸۱ هـ . ق. ( ۱۰۸۸ میلادی ) از قم به خراسان آمد و مدت چهل سال حاکم مرو بود . وی در سال ۵۱۵ هـ . ق. ( ۱۱۲۱ میلادی ) وزیر سلطان سنجر شد (۲). بنابراین قاعده باید که فقط يك شخص بزرگ و مقتدر توانسته باشد چنین بنائی را بسازد و نیز مسلم است که اهمیت راه مرو به نیشابور برای سلطان سنجر دارای کمال اهمیت بوده و رباطها و کاروان سراهای معظمی که هنوز هم بر سر راههای قدیم ایران واقع شده اند اکثراً بوسیله خود سلاطین

۱- حمدالله مستوفی در آغاز بخش ۱ از فصل سوم نزهةالقلوب می نویسد که در زمان او فرسخ تقریباً معادل بوده است با ۱۲۰۰۰ ذراع یا ارش متداول معمولی. نیز می گوید که بیست فرسخ سمنان را ازدامغان جدا می سازد ( ص ۱۶۹ ترجمه G. Le Strange ) با توجه به این مطلب جاده سمنان به دامغان از راه رباط آهوان که در عصر ما هنوز همانست، ۱۱۳ کیلومتر طول دارد از این مطلب نتیجه می شود که فرسخ حمدالله مستوفی برابر با ۵۶۵۰ متر است .

۲ - رك ، : کتاب Manuel de Généologie et de Chronologie

تألیف E. de Zambaur صفحه ۲۲۴

یاوزرای آنها و با اعیان و بزرگان دیگری از دربار آنها ساخته شده است . پس ممکن است که رباط مورد بحث ما نیز در ابتدا به همین نام فعلی امروز خوانده شده باشد از این گذشته دوره‌ای که در آن اقتدار شرف‌الدین القمی به حد اعلای خود رسیده یعنی دوره ارتقای وی به وزارت کاملاً با تاریخ احتمالی ساختمان که سال ۵۰۸ هـ.ق (۱۱۱۴ میلادی) است تطبیق می‌کند چنانکه بعداً خواهیم دید .



تصویر شماره ۳- طاق ایوان اصلی رباط شرفی

بنظر می‌رسد که تعمیرات و اصلاحاتی که در بنای رباط شرف از آغاز تا کنون

انجام گرفته بسیار اندک و جزئی بوده است. تغییر مهم و عمده‌ای که در آن صورت گرفته عبارتست از مرمت ایوان انتهایی بنا که آثار و علائم آن بطور و وضوح در ایوان به چشم می‌خورد و شکلی در آن نمی‌توان کرد. زمانی دراز پس از بنای اولیه کتیبه مطولی که به وضع بدی به ستونهای زاویه زیر طاق ایوان تکیه کرده است در محل اتصال طاق به پایه نصب شده است ( تصویر شماره ۳ ). علاوه



تصویر شماره ۴ - دیوار انتهایی ایوان اصلی ( عکس از آق‌آباد راد )

بر این ملاحظه می‌شود که دیوار های ایوان در زیر کتیبه جدید دارای تزیینات آجری [ حصیری و خفته راسته (۱) ] است که مخصوصاً برای آن درست شده است که در معرض تماشای و دید قرار گیرد ( تصویر شماره ۴ ). با توجه باین امر شکلی باقی

نمی‌ماند که این کتیبه بعدها به بنا افزوده شده است. کتیبه مورد بحث نیز در میان تمام کتیبه‌های رباط شرف تنها کتیبه‌ایست که به خط [برجسته ثلث] مدور (۱) نوشته شده است و چون از زمانی که طاق ایوان فرو ریخته یعنی شاید از چند قرن پیش این کتیبه در معرض باد و باران و تغییرات درجه حرارت قرار گرفته است تمام کتیبه قابل خواندن نیست ولیکن [می‌توان گفت که] قسمت‌های اصلی آن حفظ شده. آنچه باقی مانده است، گذشته از اطلاعات دیگر نام پادشاهی را که رباط در عصر او بنا شده و نیز تاریخی که تعمیرات بنا در آن انجام گردیده است برای ما معلوم می‌کند. متن این کتیبه چنین است :

فی عالی دولة السطان المعظم شاهان شاه الأعظم مالك رقاب الأمم سيدملوك  
العرب والعجم أطال الله بقاء معز الدنيا والدين ابوالحرث سنجر بن ملك شاه  
برهان امير المؤمنين أعز الله انصاره وباهتمام خاتون ..... والمسلمين  
ملكة نساء العالمين معزة آل افراسياب قتلغ بلکا سيدة ترکان بنت الخاقان  
الأعظم أدام علاها ..... الله في شهرور سنة تسع وأربعين وخمسائه

( بقیه دارد )

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی